

## گزارش «توسعه ایرانی» از زندگی زنان محله‌ای در شوش

## خانه‌ای در آخر خط



کیمیا، مهدی و سیمین

گمان برد که اینجا تنها مردان و کودکان زندگی می‌کنند، اما در هر خانه را که می‌زنی، زنی جوان و البته زردرو و احیاناً حامله در آن زندگی می‌کنند. زانی که با معتادند، یاد معروض اعتبار قرار دارند.

## تاریکخانه

وارد یکی از همین خانه‌ها می‌شوم. رخت‌های نیمه شسته توی لگن وسط حیاط راها شده. اتاق‌های خانه مثل سلول‌های انفرادی یک زندان دور تا دور حیاط را احاطه کرده. در هر اتاق شاید ۵ تا ۶ نفر زندگی می‌کنند. کف حیاط خانه خاک و گلی است و راه آبی ندارد. بوی رطوبت و ماندگی می‌آید. وسط حیاط پر از آب مانده رخت شویی است که زهر، زن صاحبخانه با غرولند آن را در سمت کوچه جارو می‌کند. خودش در یکی از اتاق‌هایی که کمی بزرگتر از دیگر اتاق‌هاست با پسر ۱۶ ساله محصل و دختر ۱۴ ساله‌اش که تازه طلاق گرفته زندگی می‌کند. شوهرش مدتی است رهایشان کرده و کسی نمی‌داند کجا. می‌گوید: «شاید زندان باشد. شاید هم مرده». برایش اهمیتی ندارد، چون دست‌بزن داشته و اعتبارش پولی برای امرار معاش آنها باقی نمی‌گذاشته است. او حال خرجش را با اجاره دادن اتاق‌های این خانه فرسوده در می‌آورد.

## شمایل فقر

وارد یکی از همین اتاق‌ها می‌شوم. سمیرا، افغانستانی است، شاید ۲۰ سال هم نداشته باشد، اما چهار بچه دارد و حامله هم هست. ترپاک می‌کشد. بچه‌هایش در خیابان کار می‌کنند و خودش هم گاهی که حالش به جاباشد برای گدایی به خیابان می‌رود. توی

اتاقش جز چند دست رختخواب نمود که بوی رطوبت از آزار دهنده است و یک تلویزیون سیاه و سفید ۱۴ اینچ چیزی نیست. پسر بزرگش که ۱۲ سال دارد، فرار کرده و قلش که دختری بوده به مرد میانسالی شوهر کرده و به افغانستان رفته. دو پسر و دختر دیگر هم در خیابان کار می‌کنند و هوسا که تاریک می‌شود به خانه بازمی‌گردند.

می‌گوید که پایه ماه است، اما تا به حال برای معاینه و وضعیت خود و نوزادی که در شکم دارد به پزشکی مراجعه نکرده است. این تنها حکایت او نیست. انسیه هم از دکترها خوشش نمی‌آید. او نیز که یکی دیگر از ساکنان اتاق‌های تاریک خانه زهر خانم است، بچه‌ای در شکم دارد. اهل سیستان و بلوچستان است و دیوارهای نمور طبله کرده اتاق را با پرده‌های مستعمل سفیدی که به زردی می‌زند، استتار کرده و با وسواس اتاق کوچکش را که به زور فرش شش متری در آن پهن شده، تزئین کرده است. تا زمان وضع حملش دو ماهی بیشتر باقی نمانده. با این حال دوست ندارد برای زایمان به بیمارستان برود. می‌گوید که بچه قبلی‌اش را تنها در خانه به دنیا آورده و این بچه‌اش را هم در خانه به دنیا خواهد آورد. می‌گوید که از دکترها می‌ترسد. اما زهر خانم صاحبخانه، معتقد است چون معتاد است، دوست ندارد که به بیمارستان برود چون می‌ترسد بچه‌اش را به دلیل همین اعتیاد از او بگیرند.

## نوزادان معتاد

سمیرا و انسیه، هر دو، با وجود

سیاه است و حرف نمی‌زند. زهر خانم می‌پرد وسط تقلایم برای به حرف آوردن مریم و در گوشم می‌گوید: «دیشب شوهرش کتکش زده».

دختر ۶ ساله‌اش که موهای سرش را از ته تراشیده، کتاب فارسی اول دبستان را نشانم می‌دهد و می‌گوید: «خاله سواد دارم». بعد ادای خواندن کتاب را در می‌آورد و غش غش می‌خندد.

کتاب‌های دیگری هم دارد. مادرش سر حرف می‌آید می‌گوید: «اینهارا توی آشغال‌ها پیدا کردم. بچه‌ها دوست داره مدرسه بره. منم دوست داشتم».

اما به گفته زهر خانم بیشتر بچه‌های این محله مدرسه نمی‌روند، چون یا شناسنامه ندارند یا اسبابه به دنیا آمده‌اند که خرج اعتیاد پدر و مادرشان را بدهند. می‌گوید: «اگر پسر باشند باید در سن مدرسه زباله‌گردی کنند یا فال فروشی و اگر دختر باشند که شوهر داده می‌شوند».

## ترازوی شیش و حمام

بیشتر بچه‌ها مخصوصاً دختران این خانه‌ها موهایشان را از ته زده‌اند. زهر می‌گوید: «به خاطر شیش است».

در فرهنگ این محله حمام جایی ندارد. اگر هم داشته باشد، آن قدر شلوغ و کثیف است که نرفتنش را به رفتنش ترجیح می‌دهند. دستشویی‌هایشان هم همین وضع را دارد. به جای حمام اتاقکی می‌سازند که فاضلابش به شکل کاملاً غیر بهداشتی دفع می‌شود یا دفن می‌شود یا در خانه کوچه جار بست زهر خانم می‌گوید: «کنار اتاق ما یک حمام هست، اما نمی‌گذارم کسی استفاده کند».

اینها خیلی کثیفند. خیلی» و لاید در پاسخ به نگاه بهت‌زده من اضافه می‌کند: «شیش بچه‌ها تقصیر من نیست. این موش‌ها را که نمی‌شود حمام برد. از حمام فراریند».

شاید به همین دلیل است که حمام رفتن در این محله، داستانی دارد. گاهی یک خانواده دور هم جمع می‌شود، وسایلش را در کیسه‌ای می‌ریزد و مسافتی را پیداه تابه حمام عمومی محله می‌برد و از اغوش مادر گریزان است.

در یک خانه فرسوده وارد یکی از اتاق‌های شوم، سمیرا، افغانستانی است، شاید ۲۰ سال هم نداشته باشد، اما چهار بچه دارد و حامله هم هست. ترپاک می‌کشد. بچه‌هایش در خیابان کار می‌کنند و خودش هم گاهی که حالش به جاباشد برای گدایی به خیابان می‌رود

حاملگی معتاد هستند. حتی پسر بچه انسیه که دو سال بیشتر ندارد هم از زمان تولد اعتیاد داشته و تادو سالگی به دود منقل پدر و مادر عادت کرده بود.

انسیه چندی پیش با کمک یکی از سازمان‌های مردم‌نهادی که به زنان و کودکان این منطقه یاری می‌دهند توانست پسر بچه دو ساله‌اش را ترک دهد. انسیه داستان استخوانی‌اش را زیر چادر سیاه گل‌دارش قایم می‌کند و چشمانش را در گودی عمیق صورتش به سمت پایین می‌گرداند و می‌گوید: «به دود معتاد بود. اما حالا جلوش نمی‌کشیم. وزن گرفته. اینجوری نبود. خیلی لاغر بود». هنوز هم پسر ریز جسته و لاغری است، با این حال شیطان است و در همان زمان کمی که آنجا نشسته‌ایم استکان را بر می‌گرداند و دست به قوری می‌برد و از اغوش مادر گریزان است.

## مدرسه یک شوخی است

مریم زنی جوان و ساکن اتاق دیگری از این خانه هزار تومست. زیر چشمش

## از گوشه و کنار

## وضو با آب کولر در استان بوشهر

رئیس شورای اسلامی روستای رستمی شهرستان تنگستان در استان بوشهر گفت: آنچه می‌گویم اغراق نیست و واقعیت منطقه است، اینجا مردم با آب کولر صورتشان را می‌شویند یا وضو می‌گیرند، این واقعاً زینده منطقه ما نیست. سید نفیسه ابطی در نشست بررسی مشکلات آب شهروان روستاهای شهرستان تنگستان عنوان کرد: مشکل آب عمیق است و نباید سطحی به آن نگاه کرد، مشکلی است که برای همه منطقه تنگستان و خصوصاً جنوب دالوار وجود دارد.

## در محله شوش هستیم.

هنوز شب نشده و ردی از نور خورشید در آسمان پیداست، اما کمتر زنی دیده می‌شود. به طوری که می‌توان گمان برد که اینجا تنها مردان و کودکان زندگی می‌کنند، اما در هر خانه را که می‌زنی، زنی جوان و البته زردرو و احیاناً حامله در آن زندگی می‌کنند

می‌رود که در بهترین حالت شاید هر دو هفته یکبار باشد.

## شب‌های شلوغ خانه

زهر خانم که خودش ۱۰ ساله است صاحبخانه غیبی مادر شوهرش در این خانه است، می‌گوید: «اگر تا شب اینجا بمانید نصف بیشتر ساکنان این خانه می‌آیند، از زن‌ها و مرد‌های معتاد گرفته تا بچه‌ها. اینجا می‌شود غلغله، روزها کار می‌کنند، از زباله‌گردی تا هر کاری که فکرش را نمی‌کنید و شب‌ها جمع می‌شوند دور آتش‌های که توی کوچه به پا شده و هر چه در آورده‌اند را دود می‌کنند و به هوامی فرستند».

## آتش هاروشن می‌شود

خورشید کاملاً غروب کرده و روشنایی خورشید جایش را به شعله‌های آتشی داده که تو در توی کوچه‌های باریک لب خط روشن می‌شود. هیاهوی بچه‌ها فروکش کرده و جایش را داده به مردان و اندک زنانی که با صورت‌ها و دست‌های چرک‌مرده و لباس‌های مندرس با گونی‌هایی بر دوش، چون مردگان بر خاسته از گور به سمت آتش‌ها در حرکتند. چهره‌های خمارشان گرچه برای غریبه‌ها ترسناک است، اما می‌شود ردی از آرامشی در آن دید. آرامش از جنس رسیدن به مامنی که از این شهر بزرگ سهم خود کرده‌اند. هر چند برای من و امثال من اینجا ته خط باشد.



معاون اجتماعی پلیس فتا جاساز دستگیری مادر کودک آزار که کلیه‌های کتک‌زدن فرزندش را

در اینستاگرام منتشر می‌کرد، خبر داد. سرهنگ رامین پاشایی اظهار کرد: در پی رصد و احصای مورد مجرمانه بارگذاری و انتشار تصاویر مبنی بر کودک‌آزاری از سوی یکی از کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام و با عنایت به دریافت تماس‌های مکرر از سوی هموطنان مبنی بر درخواست اقدام عاجل از سوی پلیس فتا در خصوص شناسایی و برخورد با عامل انتشار این تصاویر غیر انسانی برابر بررسی‌های فنی اولیه و مشخص شدن محل وقوع جرم در استان خراسان رضوی مراتب در دستور کار پلیس فتا استان خراسان رضوی قرار گرفت. این فرد در صفحه اینستاگرامی که داشت، فرزندش را کتک می‌زد و فیلمش را به اشتراک می‌گذاشت و از مردم تقاضای پول برای عدم انجام این رفتار غیر انسانی می‌کرد.

## اصابت گلوله به رئیس

## محیط زیست سرستان

رئیس اورژانس استان فارس از زخمی شدن رئیس اداره محیط زیست سرستان در نتیجه اصابت گلوله متخلفان و مصدوم شدن او خبر داد. محمد جواد مرادیان گفت: این حادثه زمانی اتفاق افتاد که رئیس محیط زیست سرستان در حال گشت و کنترل منطقه حفاظت شده سرستان - کوهنجان بود که از سوی متخلفان مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار گرفت و از ناحیه هر دو دست و پا و قسمتی از لگن و شکم مجروح شد. وی افزود: در پی این حادثه مصدوم به بیمارستان منتقل شد و در حال حاضر وضعیت عمومی‌اش مناسب است.

## باز هم آتش سوزی جنگل

مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بوشهر از مهار آتش سوزی در پارک جنگلی عامری بندر دلم خبر داد. غلامرضا منتظری گفت این آتش سوزی حدود ساعت ۱۱ شب گذشته آغاز شد و با کمک نیروهای مردمی و دستگاه‌های دولتی طی چهار ساعت کنترل شد.

## بدهی ۲۰ میلیاردی

## مانع اطفای حریق شد

در پی تخصیص بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه برای تأمین تجهیزات و خدمات پرداختی به منظور اطفای حریق جنگل‌ها، فرمانده یگان حفاظت سلسازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری گفت: با وجود تخصیص اعتبارات جدید به سازمان جنگل‌ها ما همچنان ۲۰ میلیارد تومان به وزارت دفاع برای اطفای هوایی حریق بدهکار هستیم. سرهنگ علی عباس نژاد گفت: از این ۱۵ میلیارد تومان، ۱۰ میلیارد اعتبار جاری سازمان برای حفاظت از عرصه‌های منابع طبیعی است بنابراین با درصدی از این اعتبار تجهیزات اطفای حریق خریداری می‌شود و به زودی برای استان‌ها سال خواهد شد. ۵ میلیارد مابقی نیز از ردیف اعتبارات سستاد مدیریت بحران برای اطفای هوایی حریق است.

## کاهش ۵۲ درصدی صدور

## پروانه ساختمانی

مدیر کل اداره تدوین ضوابط، نظارت و صدور پروانه شهرداری تهران از کاهش ۵۲ درصدی صدور پروانه در شهر تهران طی ۱۴ ماه اخیر خبر داد. حامد سلیمی گفت: میزان پروانه‌های صادره در دو ماه اول سال ۹۸، در کل مناطق ۲۲ گانه، ۱۲۶۷ مورد بوده است که در سال ۹۹ در بازه مشابه این تعداد به ۹۳۰ کاهش یافته است که شاهد کاهش ۲۷ درصدی صدور پروانه در دو ماه اول سال جاری هستیم.

## برپایی نماز جمعه و بازگشایی مهدهای کودک، سینماها و آموزشگاه‌ها

در حالی که بر اساس آخرین آمار اعلام شده با فوت ۷۵ نفر دیگر، شمار جان باختگان کرونا در کشور به ۸۲۰۹ نفر رسید، دیروز سستاد ملی مقابله با کرونا در باره برپایی نماز جمعه در برخی مناطق، بازگشایی مهدهای کودک، سینماها، آموزشگاه‌ها مصوباتی داشت.

در این جلسه که با حضور رئیس جمهور برگزار شد، مصوب شد علاوه بر مناطق سفید از ابتدای تیر ماه در تمامی مناطق زرد نماز جمعه با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و توافق با سستاد اقامه نماز جمعه برگزار شود. همچنین مهدهای کودک، کلاس‌های قرآن و آموزشگاه‌ها مانند آموزشگاه زبان

از ۲۴ خرداد با رعایت تمامی دستورالعمل‌ها فعالیت خود را آغاز کنند. سینماها و کنسرت‌ها هم به شرط حضور ۵۰ درصد ظرفیت سالن‌ها و رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی از ابتدای تیر ماه به فعالیت بپردازند.

## ۷۵ فوت در ۲۴ ساعت

دیروز همچنین رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: با ابتلای ۲۲۶۹ مورد جدید تاکنون ۱۶۹ هزار و ۲۲۵ نفر در کشور به طور قطعی به ویروس کرونا مبتلا شده و با فوت ۷۵ نفر در ۲۴ ساعت گذشته، جان باختگان کرونا در کشور به ۸۲۰۹ نفر

بوده و مقداری از آن به کمتر شدن حساسیت مردم در رعایت موارد بهداشتی و پیشگیری بر می‌گردد. اگر اصول بهداشتی رعایت شود، در مدت زمان کوتاهی می‌توان این همه‌گیری را کنترل کرد. باید این باور را داشته باشیم که همه‌گیری کووید ۱۹ یک واقعیت عینی است و وجود دارد.

رئیس اداره مراقبت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت گفت: با عادی‌سازی شرایط، حساسیت مردم از ۹۰ درصد به ۳۰ تا ۴۰ درصد رسیده است.

عرفانی بیان کرد: در برخی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی صحبت می‌شود که با تدوین پروتکل‌ها می‌توان فعالیت را بر گرداند. جنس و اصل فعالیت مشخص می‌کند که آیا با کنترل بیماری می‌توان فعالیت را انجام داد یا خیر. امروز سوال شد که آیا استخرهای شنا و تالارها بازگشایی می‌شوند یا خیر. عنوان تجمع انسانی با ظرفیت کم و متوسط و زیاد وجود دارد. ماهیت استخر شنا و تالار پذیرایی، جمع شدن مردم در کنار هم و ارتباط تنگاتنگ و مواجهه نزدیک است. حالا آیا در این مواجهه نزدیک می‌توان پروتکل جداسازی را اجرا کرد؟ نه. صرف تدوین پروتکل که الزامی بر اجرای آن وجود ندارد، نمی‌تواند تضمینی بر کنترل بیماری در جامعه باشد.

در گیر باشی. در این صورت هم آنفلوآنزای فصلی و هم کووید ۱۹ فصلی وجود خواهد داشت تا آمارهای مبارزه با این بیماری از جمله واکنس در دسترس باشند. از طرفی امسال امید بستن به دسترسی به واکنس کووید ۱۹ واهی است. به گفته او موج فعلی بیماری در کشور، موج اول بیماری است و هنوز این موج را پشت سر گذاشتیم. با توجه به پهناوری کشور، این که هر کدام از نواحی در کدام قسمت موج اول قرار بگیرند، تفاوت دارد.

عرفانی اظهار کرد: در هفته‌های گذشته شاهد این بودیم که بنا بر دلایلی، موارد ابتلا به کووید ۱۹ در کشور رو به افزایش



## خبر

رفع محدودیت‌های جدید زیر سایه تاخت و تاز کرونا